

جانشین فرمانده انتظامی خراسان تشریح کرد

گروگانگیری ۵۰هزار تتری اتباع بیگانه از تاجر افغانستانی!

زن تبعه خارجی، مرد تاجر را از افغانستان به ایران کشاند و در خانه خلوت اجاره ای قرارگذاشت اما...



سید خلیل سجادیپور
info@khorasannews.com

مرد تاجر افغانستانی که به خاطر آشنایی با یک زن هموطنش در فضا‌های مجازی، به چنگ گروگانگیری مخوف اتباع بیگانه افتاده بود، در حالی با پرداخت ۵۰ هزار تتر (از دیجیتال) آزاد شد که کار آگاهان پلیس آگاهی مشهد در تلاشی ۸۰ روزه همه تبهکاران را دستگیر کردند و به پنجه عدالت سپردند. جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی پنج‌شنبه گذشته به دنبال پایان عملیات ۸۰ روزه شبانه‌روزی پلیس برای دستگیری تبهکاران تبعه خارجی به خبرنگار روزنامه خراسان گفت: اولین روز مهر گذشته، ماجرای گم‌شدن تاجر ۵۲ ساله افغانستانی در حالی توسط شریک کاری وی به پلیس آگاهی گزارش شد که خیلی‌زود پرونده یک گروگانگیری وحشتناک روی میز کار آگاهان قرار گرفت چرا که فردی از اتباع خارجی با خانواده او تماس گرفت و درخواست ۲۰ هزار تتر (ارز دیجیتال) کرده بود.

سرتیپ دوم ستاد احمدنگهبان افزود: اهمیت این ماجرا به گونه‌ای بود که سرهنگ محمدرضا فدائیان لرئیس پلیس آگاهی مشهد (فرماندهی مستقیم عملیات تحقیق و راه‌سازی گروگان‌را به عهده گرفت و جلسات تحلیل جرم نیز با حضور چندگروه کارآموده از کارآگاهان برگزار شد. وی گفت: خیلی‌زود گروه صدهای اطلاعاتی و عملیاتی با همکاری کارشناسان اطلاعات‌جنایی به سرپرستی سرهنگ محمداقربپهلوان، تحقیقات گسترده خود را آغاز کردند و به سرخ‌هایی از ردپای یک زن ۲۹ ساله رسیدند که در فضای مجازی با مرد تاجر افغانستانی ارتباط داشت. بنابراین پیگیری این ماجرا به شیوه تخصصی ادامه یافت که مشخص شد «ف-ج» (زن ۲۹ ساله) با گروگان در یک مکان خلوت قرار

ملاقات گذاشته است. به همین خاطر «هادی» (گروگان) سی ویکم شهریور گذشته از طریق مرز زمینی وارد استان خراسان رضوی شده و به‌سوی مشهد حرکت کرده است. خط‌سیر حرکت خودروی افغانستانی بیانگر آن بود که مرد ۵۲ ساله در اطراف میدان عدل خمینی (ره) از خودرو پیاده شده و سپس با تاکسی ایرانی به‌سوی مقصدی نامعلوم حرکت کرده است.

این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: وا‌کاوی‌های بیشتر کارآگاهان نشان داد که «هادی-ر» کارخانه‌بزرگ تولیدی در افغانستان دارداما بیشتر بستگان و اعضای خانواده‌اش در تهران ساکن هستند و او نیز مدام در مسیر ایران و افغانستان تردد می‌کند.

از سوی دیگر تحقیقات پلیس حکایت از آن داشت که زن ۲۹ ساله افغانستانی چندین بار دیگر با مرد تاجر در هتل ها و سوئیت‌های هسته مرکزی شهر قرار دیدار حضوری گذاشته است اما هیچ سرنخی از این زن وجود نداشت. در همین حال تلاش‌های شبانه‌روزی کارآگاهان با بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و فناوری‌های نوین ادامه داشت تا این که با بررسی دوربین‌های ترافیکی شهر، مشخص شد خودروی تاکسی حامل مرد گروگان به‌سوی خیابان مفتح ۳۱ در کوی طلاب مشهد حرکت کرده است. به همین دلیل تحقیقات کارآگاهان در پوشش مبدل آغاز شد و دریافتند که تبهکاران مخوف نیز از اتباع بیگانه هستند که با یک کارت شناسایی جعلی منزلی را به مدت ۲ روز اجاره کرده‌اند اما وقتی کارآگاهان وارد این خانه شدند اثری از گروگان و آدم‌ربایان نبود با این حال آثاری وجود داشت که نشان می‌داد گروگانگیران احتمالاً طعمه خود را به‌پوش نشان کرده و سپس او را با یک دستگاه خودرو به مکان نامعلوم دیگری انتقال داده‌اند.

سردار سرتیپ دوم نگهبان ادامه داد: در حالی که بررسی‌های شبانه‌روزی پلیس برای ردزنی تبهکاران تبعه خارجی از چندسوار در مرحله جدیدی شده بود، ناگهان کارآگاهان به‌خبری دست یافتند که نشان می‌داد گروگانگیران مبلغ ۲۰ هزار ارز دیجیتال را دریافت کرده‌اند. پیگیری این موضوع حکایت از آن داشت که شریک مرد تاجر این مبلغ را بدون هماهنگی با پلیس به گروگانگیران پرداخته است تا موجبات آزادی او را فراهم کند. ولی آدم‌ربایان با این مبلغ او را رها نکرده بودند.

فرمانده حافظان امنیت در تشریح این پرونده پیچیده آدم‌ربایان خاطر نشان کرد: با وجود این، بررسی‌های اطلاعاتی کارآگاهان با نظارت رئیس پلیس آگاهی مشهد ادامه یافت و مشخص شد که ۲ تن تبعه خارجی با واسطه‌گری یکی از هموطنانشان وارد یک صرافی در اطراف خیابان جنت شده‌اند و ۲۰ هزار تتر را به دلار تبدیل کرده‌اند. وی گفت: این سرخ‌مهم کارآگاهان را به صرافی مذکور کشاند و با بررسی دوربین‌های مدار بسته تصاویر بدون پوشش ۲ متهم به دست‌آمد.

سرتیپ دوم احمدنگهبان اضافه کرد: از سوی دیگر با انجام یک سری تحقیقات ویژه مشخص شد ردپایی از حضور گروگانگیران در محله وحید (دریا) وجود دارد. بنابراین کارآگاهان برای شناسایی مخفیگاه تبهکاران وارد عمل شدند اما در همین هنگام و بعد از گذشت حدود ۸۰ روز از ماجرای گروگانگیری دوباره پرداخت ۳۰ هزار تتر (ارز دیجیتال) به حساب بانکی آدم‌ربایان لورفت که بررسی هان نشان داد آدم‌ربایان بایکی دیگر از دوستان مرد تاجر در دبی تماس گرفته‌اند و او نیز مبلغ مذکور را به آنان پرداخت کرده است.

جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی ادامه داد: بعد



عکس‌ها اختصاصی خراسان

رقص چاقو کیک رفاقت را به خون نشاند

قتل در جشن تولد!

ای از کارآگاهان پلیس آگاهی نیز در کنار مقام قضایی قرار گرفتند. با توجه به اهمیت موضوع، تحقیقات شبانه رنگ سرعت به خود گرفت تا مسیر فرار عامل یا عاملان جنایت بسته شود. این وا‌کاوی‌های تخصصی حکایت از آن داشت که جوان ۲۷ ساله‌ای به نام «احسان-د» هدف چند ضربه چاقو قرار گرفته و بر اثر خونریزی شدید و همچنین عوارض ناشی از اصابت تیغه چاقو به نواحی گردن، سینه و زیر شکم جان باخته است و جوان ۲۰ ساله دیگری به نام «سعید-ص» تحت درمان قرار دارد.

طولی نکشید که دامنه تحقیقات قضایی به خیابان

حر ۹۰ کشید و مشخص شد جوان ۲۷ ساله به دعوت یکی از دوستانش در جشن تولد شرکت کرده بود تا شاهد گذر برگی از تقویم زندگی او باشد؛ اما در این میان نزاعی که با مشاجره و توهین در هم آمیخته بود ناگهان با رقص تیغه‌های چاقو، به رنگ دلهره درآمد و سایه وحشتناک «خون و مرگ» را روی یک رفاقت انداخت، به گونه‌ای که لحظاتی بعد ضربات هولناک چاقو بر پیکر جوان ۲۷ ساله نشست و او در حالی خون آلود نقش بر زمین شد که یکی دیگر از اهالی این جشن نیز هدف ضربه چاقو از ناحیه ران پای چپ قرار گرفت و مجروح شد.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: ادامه بررسی‌های قاضی خاکشور بیانگر آن بود که ۲ مهمان جشن تولد به مرکز درمانی منتقل شده‌اند اما با مرگ جوان ۲۷ ساله، درمان‌های پزشکی برای نجات جوان ۲۰ ساله همچنان ادامه دارد. در همین حال قاضی شعبه ۲۵۸ دادسرای عمومی و انقلاب به‌مشهد دستور داد تا «سعید-ص» تحت نظر پلیس قرار گیرد و بعد از بهبود نسبی بازجویی‌های فنی‌ای‌وزی آغاز شود.

بنابراین گزارش بررسی‌های تخصصی توسط سرگرد شکبیا (افسر پرونده) برای ریشه‌یابی این جنایت تکان دهنده ادامه دارد.

روزنامه

مجله

ویژه‌نامه

کتاب

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان

سفرارش می‌پذیرد

اینفوکرافیک

کرید

لوگو

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

layout@khorasannews.com

فرآخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره SLP-4020810010

۱- موضوع: فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره SLP-4020810010 راجع به خرید شش دستگاه نوبس تیر ۱۱۶ اینچ با اکتوپنور برقی از طریق ساخت داخل کشور.

۲- محل و مدت انجام کار : استان خراسان رضوی، سرخس ،منطقه عملیاتی خاکبران به مدت ۱۲ ماه.

۳- نام و نشانی مناقصه گر: شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق ، مشهد ، بلوار خیام ، خیابان مهندس، نیش مهندس ۶، پلاک ۱۸.

شرایط مناقصه گر :

۱-۴- دارا بودن شخصیت حقوقی، که اقتصادی و شناسه ملی.

۲-۴- داشتن توانایی مالی، تجربه، تخصص و سوابق کافی در زمینه موضوع قرارداد.

۳-۴- دارا بودن تأییدیه عضویت در فهرست سازندگان تأمین کنندگان کالای وزارت نفت.

۴-۴- توانایی تهیه ضمانت نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) به مبلغ ۷/۷۹۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال و در صورت برنده شدن ارائه تضمین معتبر بانکی انجام تعهدات به میزان ۱۰ درصد مبلغ پیشنهادی.

۵-۴- در ضمن بدار مالی معامله به برنده مناقصه به عنوان پیش پرداخت در قبال اخذ ضمانتنامه معتبر بانکی مورد قبول مناقصه گزار پرداخت خواهد کردید.

۵- کلیه مراحل از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به

سید خلیل سجاد پور-رقص چاقو در یک جشن تولد دوستانه، هنگامی کیک رفاقت را به خون نشاند که در گیری شدیدی بین مهمانان رخ داد و جوان ۲۷ ساله ای به قتل رسید.
به گزارش روزنامه خراسان، ساعت ۱:۳۰ با مدام پنج‌شنبه گذشته بود که صدای زنگ تلفن، خواب را از چشمان قاضی ویژه قتل عمد ربود و خبر تکان دهنده ای از وقوع یک جنایت، او را به بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد کشاند.
بررسی‌های میدانی قاضی وحید خاکشور در حالی از همان ساعات اولیه با مدام شروع شد که گروه ورزیده

شرط بندی خیانت آلود!

وقتی ۳ سال قبل از همسر م طلاق گرفتم، در گیر ماجراهایی شدم که زندگی امر آشفته تر کرد؛ اما با وجود این نمی توانستم شرایط سخت پسر مرا ببینم که زیر دست نامادری تحمل می کرده به همین خاطر تصمیم گرفتم که ... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۲۳ ساله با بیان این که سرگذشت تأسف بارش می تواند در س عبرتی برای دختران جوان و برخی از خانواده ها باشد، به کارشناس اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: پدرم وضعیت مالی خوبی ندارد و با کاری روزمره هزینه های خانواده اش را تأمین می کند؛ به همین خاطر هم مرا زمانی که ۹ سال بیشتر نداشتم، به عقد پسر عمه ام درآورد ولی من تا کلاس چهارم ابتدایی درس خواندم و سپس در ۱۴ سالگی به خانه بخت قدم گذاشتم.

خیلی زود باردار شدم و در ۱۵ سالگی هم اولین فرزندم به دنیا آمد. شوهرم سر آشپز یک رستوران در اطراف مشهد بودو من هم از زندگی ام رضایت داشتم. او ۱۰ سال از من بزرگ تر بود و اخلاق خوبی داشت. با وجود این، من هم در بیرون از منزل کار می کردم تا برای خودم درآمدی داشته باشم. به طوری که خانه ای را با مشارکت یکدیگر خریدیم و نیمی از آن به نام من سند خورد اما روزگار سیاه من از یک شرط بندی خیانت آلودآغاز شد. همسر ما منشی رستوران در باره یک سر آشپز جدید شرط بندی کرده بود که مثلا سرآشپزی که قرار است در آن رستوران استخدام شود، در هر ساعت حدود هزار سیخ کباب را تهیه می کند! ولی آن دختر ادعای او را رد می کرد. وقتی شوهرم شرط را باخته بود هر دو به کافی شاپ رفته بودند تا هزینه ها را شوهرم پرداخت کند ولی این شرط بندی موجب رفت و آمد و معاشرت بیشتر آن ها شد؛ به گونه ای که روزی فهمیدم ارتباط آن ها به صورت غیر متعارف ادامه دارد. این بود که با آن دختر تماس گرفتم و او در یکی از مناطق تفریحی قرار گذاشت. آن روز «اصغر» هم آمده بود. من با آن ها اتمام حجت کردم و به «اصغر» گفتم یا باید مرا انتخاب کنی یا با این دختر باشی! او هم آن دختر را انتخاب کرد و سپس با یکدیگر به خانه ام آمدند و ... دیگر تحمل این وضعیت را نداشتم. به خانه پدرم رفتم و او هم با آن دختر فرار کرد. مدتی بعد فهمیدم شوهرم «لاله» را به جای من به نگاه برده و با جعل امضای من خانه را فروخته است. من هم از آن ها شکایت کردم و از طریق قانون نه تنها خانه را گرفتم بلکه از «اصغر» هم جدا شدم. بعد از این ماجرا شوهرم به شهرستان رفت و حدود ۲ سال بعد با زن دیگری ازدواج کرد. من هم در یک فروشگاه لباس در یکی از بازارهای معروف شهر مشغول کار شدم. هنوز ۳ روز بیشتر از این موضوع نگذشته بود که شاگرد دیگر مغازه به خواستگاری ام آمدو در طول ۱۰ روز ما با یکدیگر ازدواج کردیم. پدرم نیز یک روز صبح پسر مرا با یکدیگر شوهرم بر دو مدعی شد که دخترم توان نگهداری از او را ندارد ولی من خیلی نگران پسرم بودم. در همین شرایط باردار شدم ولی چون شوهرم جوانی بی مسئولیت بود و به خانه و زندگی اهمیتی نمی داد، فرزندم را سقط کردم.

او خیلی مودب و خوش اخلاق بود و طوری رفتار می کرد که مرا از صمیم قلب دوست دارد اما حتی قصد نداشت خانه کوچکی برایم اجاره کند و هر دو نفر در منزل ۵۰ متری پدرم بودیم؛ به طوری که من از نگاه های سرزنش آمیز پدرم زجر می کشیدم. به همین خاطر تقاضای طلاق دادم و دوباره با همسرم تماس گرفتم تا بایکدیگر زندگی کنیم. او هم که خیلی از رفتارهایش پشیمان بود پذیرفت چرا که من نمی توانستم ناراحتی های روحی فرزندم را زیر دست نامادری تحمل کنم! البته در طول این چند سال بارها تصمیم گرفته ایم گذشته را فراموش کنیم اما هر بار به مشکل بر خوردیم و این امکان فراهم نشد. الان هر قصد دارم مدتی را به صورت عقد موقت با او زندگی کنم تا شرایط بهتری فراهم شود اما پیشنهاد می کنم زوج های جوان در ارتباط های خود با افراد نامحرم دقت بیشتری داشته باشند تا زندگی آن ها این گونه متلاشی نشود!
گزارش روزنامه خراسان حاکی است: با دستور سرگرد احمد آکره (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) این زن جوان برای انجام امور مشاوره ای به مراکز تخصصی پلیس خراسان رضوی معرفی شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق

شماره ۱۸۳۳۳۳۶